

نگاهی به تصویر نهاد خانواده در فیلم‌های ایرانی

## جای خالی خانواده تراز در سینما



کاستی‌ها شد اما کافی نبود و قطار سینمای ایران تا امروز بر همان ریل فرهنگی دولت دوم خرداد حرکت کرده است. در این گزارش به مرور تصویر خانواده در مهم‌ترین فیلم‌های اخیر سینمای ایران می‌پردازیم.

## انبار خانواده‌های ناقص

یکی از شاخص‌های اغلب فیلم‌های اجتماعی در سینمای سال‌های اخیر ایران، کمبود خانواده الگو و تراز است. به ندرت فیلمی را می‌بینیم که در آنها خانواده کامل و مقتدر حضور داشته باشد. در اغلب خانواده‌های فیلم‌های ما، پدر یا مادر حضور ندارند یا اگر هم خانواده‌ای کامل هست، روابط در آن از هم گسیخته است.

در بیشتر فیلم‌های سال جاری، از «ابلق» و «تی‌تی» و «انفرادی» گرفته تا «مرد بازنده»، «روز صفر» و «بدون قرار قبلی» ما تصویری از خانواده به عنوان یک کل منسجم و مقتدر، یک پناهگاه و یک نهاد مقدس نمی‌بینیم. به ندرت در فیلم‌های سینمای چند سال گذشته ما ازدواج، فرزندآوری، زندگی خانوادگی و عشق و محبت بین زوجین به عنوان یک ارزش مطرح شده است. وقتی فهرست فیلم‌های یک دهه اخیر سینمای مان را مرور می‌کنیم، متوجه می‌شویم در اکثریت قریب به اتفاق، آثار روی پرده رفته یا شاهد خیانت و پنهانکاری در خانواده بوده‌ایم یا دعوا و کشمکش بی‌پایان زوج‌ها یا خانواده‌هایی که یکی از همسرها فوت کرده‌اند یا زن و مرد از هم جدا شده و فرزندان،

این وضعیت و دوری از ارزش‌های خانوادگی در سینما حتی در سخنان برخی مدیران و سینماگران آن زمان هم هویدا شد. معروف‌ترین آنها، سخنرانی مجید مجیدی در چهارمین جشن خانه سینما در سال ۱۳۷۹ بود که گفت: «... گوش بداریم که صدای پای ابتذال به راحتی به گوش می‌رسد. آنچه روزگاری به درست یا به غلط با واژه فیلم‌فارسی می‌خواندیمش، دوباره سر و گوشی می‌جنباند، تابلوهای رنگارنگی که فقط در کار فریب چشم‌هایند و با اندیشه و آگاهی بیگانه‌اند، دوباره در سر چهارراه‌ها حاضر و ترانه‌خوانی‌های کوچه و بازاری، عشق‌های کاغذی و لحن‌های کلاه مخملی دوباره در فیلم‌ها ظاهر می‌شوند.»

مجیدی بار دیگر در سمینار «نقد سینمای اجتماعی و سینمای دینی» که دی ۸۷ در دانشگاه علامه طباطبائی برگزار شد، گفت: «... یکی از گله‌های من به آقای خاتمی هم همین مسأله بود، چرا که با وجود علاقه‌ای که به شخصیت ایشان دارم، باید بگویم در دوره ایشان علی‌رغم فضای آزادی که وجود داشت، چیزی جز ابتذال نصیب سینمای ما نشد.»

مرحوم سیف ا... داد، کارگردان خوشنامی که معاون سینمایی وزارت فرهنگ و ارشاد دولت دوم خرداد شد هم پس از برگزاری اولین دوره جشنواره فیلم فجر در آن دولت، در نشست با حضور منتقدان و خبرنگاران سینمایی به صراحت نسبت به غلبه «ابتذال» بر آن دوره از جشنواره فیلم فجر هشدار داد و خواست با آن وضعیت مقابله شود. البته در دولت‌های بعدی تلاش‌هایی برای جبران این

سینمای ایران در دهه ۶۰ و همچنین تا اواسط دهه ۷۰، خانواده‌گراترین سینمای تاریخ جهان بود اما از نیمه دهه ۷۰ به این سو به واسطه سیاست‌گذاری‌های صورت گرفته، سینمای جشنواره‌ای

آرش فهیم  
چاردیواری

تقویت و فیلم‌فارسی غالب شد و در نتیجه، رویکرد خانوادگی در فیلم‌های ایرانی رو به کمرنگ شدن نهاد. از دوم خرداد ۷۶ بود که با سیاست‌ها و برنامه‌های مدیران فرهنگی و سینمایی دولت وقت، نوعی از فیلم‌ها که اصطلاحاً دختر-پسری لقب گرفتند، گسترش یافتند چون به زعم این مدیران، فضای سینما باید باز و مخاطب‌پسند می‌شد. در نتیجه این نوع برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری، ویتترین تولیدات سالانه سینمای ما پر از آثاری با درونمایه‌هایی چون عشق‌های چندضلعی و خیانت و روابط نامشروع شد و از طرفی هم برخلاف قبل، فیلم‌هایی که در آنها روابط خانوادگی جلا می‌یافت، هر روز کمتر شدند. البته این جهت‌گیری نه فقط باعث رونق و پویایی سینمای ما نشد که به تدریج، بخش عمده مردم از سینما گریزان شدند و شد آنچه نباید می‌شد؛ سالن‌هایی که رفته رفته خلوت‌تر شدند و حتی برخی از آنها کارشان به تعطیلی یا تغییر کاربری کشید. علاوه بر آن، تنوع مضمونی آثار محدود شد و حتی برخی از گونه‌های سینمایی به کلی محو و بسیاری از هنرمندان منزوی شدند و امکانات و امتیازات سینما به افراد خاصی اختصاص یافت و...